

موضوع: بازگشت روابط مصر و ایران

به مقام محترم وزارت امور خارجه!  
قابل توجه مدیریت محترم دوم سیاسی

با پیروزی انقلاب مصر، تغییراتی در عرصه های مختلف داخلی این کشور رونما گردیده است، اما این تغییرات به عرصه داخلی منحصر نمانده و به عرصه خارجی نیز کشیده شده است. نبیل عربی، وزیر امورخارجه در کابینه کنونی مصر، طی مصاحبه ای اظهار داشت که این کشور می خواهد صفحه جدیدی از روابط با همه کشورهای جهان به شمول ایران را باز کند، مشروط به اینکه این روابط بر احترام متبادل و حاکمیت دولتها و عدم دخالت به هیچ شکل آن در امور داخلی یکدیگر، مبتنی باشد، وی افزود که مصر ایران را دشمن نمی شمارد و خواهان گسترش مناسبات با این کشور می باشد، و این موضوع با استقبال مقامهای ایرانی روبرو گردید.

در نخستین واکنش، محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری ایران در اولین کنفرانس مطبوعاتی اش در سال جدید، اعلان نمود که کشورش به اقامه روابط با مصر علاقمند است و اظهار امیدواری کرد که تحولات منطقه، افقهای تابناکی در برابر ملت‌های مسلمان قرار دهد. وی افزود که ایران آماده است با همه کشورهای جهان به استثنای اسرائیل، روابط دیپلماتیک داشته باشد، بخصوص مصر.

در همین راستا، مجتبی امانی، رئیس دفتر حافظ منافع ایران در قاهره، روز دوشنبه 1390/1/15 با وزیر خارجه مصر دیدار نموده و نامه علی اکبر صالحی وزیر خارجه ایران را به وی تقدیم داشت. وزیر خارجه ایران در این نامه از اظهارات نبیل عربی در باره رابطه با ایران تقدیر نموده و درخواست کرده است که راه های ارتقای روابط دوکشور از طریق ملاقات وزرای خارجه دو کشور در تهران یا قاهره، مورد بررسی قرار گیرد. مقامهای ایرانی در مناسباتی مصر و ایران را دو بال امت اسلامی خوانده اند که می توانند با همکاری یکدیگر زمینه پرواز را برای کشورهای اسلامی مساعد گردانند. این اظهارات با استقبال مقامهای مصری روبرو شده و آنان را به بازگشایی و ارتقای روابط دو جانبه خود با ایران تشویق کرده است.

روابط مصر و ایران با سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به تیرگی گرایید، و هنگامی که انور

سادات، رئیس جمهور اسبق مصر، شاه مخلوع را در مصر پذیرفت، خشم دولت ایران بر انگیزته شد و یکسال پس از انقلاب، روابط دیپلماتیک دو کشور در پی امضای موافقتنامه صلح با اسرائیل قطع گردید و پس از ترور سادات، برخی خیابانها در ایران بنام خالد اسلامبولی قاتل سادات نامگذاری گردید. ادامه این روند به تیرگی بیشتر روابط دو کشور در دوران حسنی مبارک انجامید ولی روابط دو کشور در سطح و حدود دفتر حافظ منافع ادامه یافت.

در خلال این سالها، با آنکه مقامهای ایرانی احیانا به بهبود روابط با ایران اظهار تمایل کرده اند، اما نظام حسنی مبارک چندان علاقه ای به این امر نشان نداد، و حتی احیانا در برخی اظهارات مقامهای مصری گفته شد که ایران خطری به امنیت ملی مصر است که قصد برافروختن آتش فتنه در مصر را دارد و باعث سلب استقرار در منطقه است. آنان بیش از هر چیز بر روابط نزدیک دولت ایران با دو گروه حزب الله لبنان و حماس در فلسطین انگشت نهاده و نسبت به آن حساسیت نشان می دادند.

اکنون با تحولاتی که رخ داده است، به نظر می رسد که دو دولت مصر و ایران در آستانه آغاز عهد جدیدی در روابط دو کشور هستند.

دولت کنونی مصر که دستاورد انقلاب مردم مصر به حساب می رود، در نظر دارد در برخی سیاستهای گذشته این کشور که بیشتر بر همگامی با ایالات متحده و همپیمانی با کشورهای سعودی و خلیج متمرکز بود، تغییر آورده و سیاستهای جدیدی روی دست گیرد که نشانه استقلال کامل این کشور در این زمینه باشد. از همین روی است که لحن این کشور نسبت به گروه های حزب الله و حماس تغییر نموده، دید و بازدیدهایی با مقامهای دولت سوریه صورت گرفته، به کشتیهای جنگی ایران اجازه داد شد که از کانال سویز عبور کرده و به بندر لاذقیه سوریه بروند و بدون هیچ مشکلی عودت نمایند، و عصام شرف، نخست وزیر مصر در اولین سفر خارجی خود عازم سودان گردد.

تجدید روابط با ایران در این سیاق قابل تحلیل است و به نظر می رسد هرگاه این روابط عملا آغاز گردد عرصه های جدیدی از قبیل روابط بازرگانی، همکاریهای فرهنگی و سرمایه گذاری ایران در مصر نیز به آن افزوده گردد.

تحلیل گران بر این نظر اند که بهبود روابط مصر و ایران که مورد قبول بخشهایی از نیروهای سیاسی مصر قرار دارد، ممکن است به خشم امریکا، اسرائیل، سعودی، کشورهای خلیج و نیز گروه های سلفی متشددی

بینجامد که نسبت به ایران و عموم پیروان مذهب شیعه بدبینی دارند. رویکرد جدید مصر در سیاست خارجی اش می تواند به معنای فاصله گرفتن این کشور از همپیمانان گذشته اش تلقی گردد و از این بابت نگرانیهایی را در آن کشورها دامن بزند.

وزیر خارجه مصر، شاید در پاسخ به این نگرانیها، صبح چهارشنبه 1389/1/17 در گفتگویی اظهار داشت که شورای همکاری خلیج موفق گردید با تحرکی هماهنگ از استقرار اوضاع بحرین محافظت نماید و مفهوم امنیت جمعی را در منطقه خلیج عملی سازد. وی افزود که منطقه خلیج بحیث عمق استراتژیک امنیت ملی مصر شناخته می شود و محافظت از استقرار خلیج هم یک تعهد ملی است و هم یک ضرورت استراتژیک. وی تاکید کرد که وحدت، استقرار و سلامت اراضی یکایک دولتهای خلیج از مهمترین اصول ثابت در سیاست مصر است و این کشور، امنیت، استقرار و عربیت دولتهای خلیج را خطوط سرخی می داند که نزدیک شدن به آنها را به هیچ صورت تحمل نمی کند.

این اظهارات قوی دو روز بعد از دریافت پیام وزیر خارجه ایران توسط وزیر خارجه مصر بیان گردید که توسط رئیس دفتر حافظ منافع ایران در قاهره به وی تسلیم داده شد، و به تعقیب آن تحلیلهایی در رسانه ها مطرح گردید که گویا کشورهای خلیج، دیگر از اهمیت گذشته برای مصر برخوردار نیستند، و این امر به ویژه در پی حوادث اخیر بحرین و تیره شدن روابط ریاض و تهران، قابل ملاحظه بود.

اما اظهارات اخیر وزیر خارجه مصر به این گمانه زنیها پایان داد و آشکار ساخت که امنیت و استقرار کشورهای حوزه خلیج در فهرست اولویتهای درجه اول سیاست خارجی مصر قرار داد، زیرا از یک سو اقتصاد مصر به سرمایه گذاری سرمایه داران آن کشورها گره خورده است و از دیگر سو صدها هزار کارگر مصری در کشورهای خلیج به کار اشتغال دارند، و اینها ایجاب می کند که مصر مراقب موضعگیریهایش در قبال تحولات منطقه باشد.

تفاوتی که در سیاست خارجی مصر نسبت به دوران قبل از انقلاب نمایان گردیده این است که قبل از آن تصور بر این بود که مصر موضع مستقلی نسبت به تصمیم گیریهای منطقه ای ندارد و برگه ای در دست امریکا و کشورهای عربی است که بر اساس منافع آنان اتخاذ موضع می کند، اما اکنون مصر می خواهد از یک سو حمایتش از کشورهای خلیج را ادامه دهد و در تحولاتی که رخ می دهد در کنار آنان باشد و در عین زمان از سیاست

دنباله روی و انفعالی گذشته فاصله گرفته و بر اساس  
منافع ملی خود نقش فعالتری اتخاذ نماید.  
موضوع قرار فوق خدمت اطلاع داده شد.

با احترام  
دکتور خالدین ضیایی تاج الدین  
ریس اندیشکده گفتمان تعلیمی